

•

حاتم قادری

# تحول مبانی مشروعیت خلافت

از آغاز تا فروپاشی عباسیان

با رویکردی به آرای اهل سنت



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

## فهرست

پیش گفتار .....	۹
مقدمه .....	۱۳
انتخاب موضوع .....	۱۳
سؤالات و فرضیات اصلی .....	۱۴
طراحی فصول پژوهش .....	۱۸
روش .....	۲۲
فصل اول: بررسی منابع و پیشینه موضوع .....	۲۵
کلیات .....	۲۵
الف - منابع گروه اول .....	۲۶
ب - منابع گروه دوم .....	۴۲
فصل دوم: ضرورت و مشروعیت حکومت .....	۵۷
ضرورت حکومت .....	۵۷
مشروعیت حکومت .....	۶۳
فصل سوم: واژه شناسی و ماهیت خلیفگی .....	۷۳
واژگان خلیفه و خلافت .....	۷۳
ماهیت خلافت .....	۷۹
امیرالمؤمنین .....	۸۵

## ۸ ■ تحول مبانی مشروعیت خلافت

۸۷.....	خليفة الله .....
۹۹.....	فصل چهارم: استقرار و انتقال قدرت: راشدین .....
۹۹.....	گزینه‌ها .....
۱۰۰.....	توجهات اسنادی .....
۱۰۲.....	ابوبکر (۱۱-۱۳) .....
۱۰۹.....	عمر (۲۳-۱۳) .....
۱۱۱.....	عثمان (۳۵-۲۴) .....
۱۲۰.....	علی ۴۰-۳۵ .....
۱۳۳.....	فصل پنجم: استقرار و انتقال قدرت: امویان .....
۱۳۳.....	مشروعیت: کلیات .....
۱۵۷.....	فصل ششم: استقرار و انتقال قدرت: عباسیان .....
۱۵۷.....	مشروعیت: کلیات .....
۱۹۹.....	فصل هفتم: نظریات خلافت و خلیفگی .....
۱۹۹.....	راشدین: شکل‌گیری نظریات .....
۲۲۵.....	امویان: گزینش و تثبیت .....
۲۴۳.....	عباسیان: تقسیم قدرت و تدوین نظریات .....
۲۶۵.....	فصل هشتم: سنجش تأثیر آرای ایرانیان و یونانیان باستان بر نظریات خلافت .....
۲۶۶.....	سنجش آرای ایرانیان .....
۲۸۰.....	سنجش آرای یونانیان .....
۲۸۹.....	فصل نهم: سخن آخر .....
۲۹۷.....	کتابنامه .....
۳۱۱.....	فهرست اسامی، جای‌ها، جنگ‌ها، سلسله‌ها .....

## مقدمه

### انتخاب موضوع

سؤال از انگیزه‌ها و دلایل پژوهشگر در مورد موضوع منتخب خود برای پژوهش، اهمیتی بنیادی دارد. همان‌گونه که اجتناب پژوهشگر از دخالت دادن انگیزه‌های شخصی در روش و محتوای پژوهش حائز اهمیت است، روشن بودن این انگیزه‌ها در اقدام به پژوهش نیز اساسی است. این انگیزه‌ها نباید به مثابه تعمیم پیش‌قضاوت‌ها در راستای پژوهش تفسیر شوند. این انگیزه‌ها اولویت مسائل را نزد پژوهشگر روشن می‌سازند و از سوی دیگر چه‌بسا بتوان از کارمایه‌ای که مستلزم چنین اقدامی است، شناختی فزون‌تر به دست آورد.

برای انتخاب عنوان «تحول مبانی مشروعیت خلافت از آغاز تا فروپاشی عباسیان» دو انگیزه و دلیل اصلی وجود داشت. اولین انگیزه که تطابق بیشتری با مباحث علمی و دانشگاهی دارد، بر این اساس قابل شرح و بیان است که در شرایط کنونی جامعه اسلامی - ایرانی (ایرانی - اسلامی) شناخت پیشینه ما در کنار آشنایی با تحولات و تطورات و مبانی غرب در حکم یک تمدن جهانی غالب، دو زمینه کاملاً حیاتی پژوهش به شمار می‌روند. فراموش نکنیم که پیشینه اسلامی مان، امری صرفاً متعلق به تاریخ نیست بلکه شناخت حیات فعلی مان و چگونگی آن، منوط به دریافت

صحیح و اصولی از گذشته و سیر تطوراتی آن است. این امر برای کسانی که علائق و باورهای اسلامی دارند، انگیزه‌ای مضاعف است.

انگیزه فوق‌الذکر در بهترین حالت، ضرورت یک کار دانشگاهی و علمی را می‌طلبد و در پی آن است که بازگویی حجیت چنین انتخابی برای مخاطبان خود باشد. در حالی که انگیزه دوم پژوهشگر، دغدغه‌های شخصی اوست که متوجه وضعیت، در گذشته و حال است. این انگیزه که به کوتاهی و تحت عنوان مبهم «دغدغه» بر آن اشاره شد، نیروی محرکه درونی چنین پژوهشی را برمی‌آورد. در میان موضوعات و مفاهیم اساسی که می‌شد در چارچوب آن به سازماندهی یک پژوهش پرداخت، نهاد خلافت دارای جایگاه ویژه‌ای است. به تعبیر بسیاری از متفکران و ملل و نحل‌نویسان قرون پیشین و پژوهشگران و شارحان امروز، هیچ موضوعی بیش از مسئله جانشینی پیامبر در میان مسلمین بحث‌انگیز نبوده و طبیعی است که در قلمرو اندیشه سیاسی، این موضوع از جذابیت برخوردار باشد.

### سؤالات و فرضیات اصلی

در حالی که خلافت، خلفا و مشروعیت، واژه‌های کثیرالاستعمالی بودند و هستند اما در مورد آن‌ها و به تناسب اهمیت و کثرت کاربردشان، پژوهش صورت نگرفته است. پژوهش‌ها درباره واژه‌ها و مفاهیم یادشده بیشتر توصیفی بوده و یا با آن‌ها همچون موضوعات انتزاعی معامله شده است. هدف سلبی اصلی پژوهش حاضر در این است که بتواند از هر دو قلمرو یادشده اجتناب نماید. نه بحث توصیفی کند که در بهترین حالت نوعی تاریخ‌اندیشه به‌شمار آید و نه با انتخاب موضوعات و مفاهیم مربوطه، اقدام به بحثی انتزاعی نماید. زیرا در رابطه با این دومی بیم آن می‌رود که «حیات» موضوعات و مفاهیم مورد نظر از دست برود و قربانی گردد. هدف ایجابی اصلی پژوهش، شرح پیدایش خلافت، مشروعیت آن و تطورات بعدی در چارچوب اندیشه، بازمینه قراردادن ارتباط آن با امر واقع است. به تعبیر دیگر پژوهش حاضر در صدد آن است که پیدایش و تطورات خلافت را در قالب نظری و در پیکره زنده‌اش به کمک کلمات ترسیم نماید. از این‌رو ترکیب «پیکره زنده» به «پیکره

تاریخی» ترجیح داده شد تا بر اهمیت درون‌فهمی موضوع تأکید ویژه شده باشد. «هر درون‌فهمی» مسائل انسانی-اجتماعی با «حیات» سروکار دارد و زمانی که موضوع در گذشته سپری شده باشد، نیازمند «احیا» است.

پس سؤالات اصلی پژوهش را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. مجموعه نظریات مرتبط با نهاد خلافت بر اساس طرح ثابت و پیشینی بوده است؟

۲. مشروعیت متکی بر نظریات خلافتی از گونه پیشینی بوده است؟

فرضیات اصلی پژوهش را هم می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. مجموعه نظریات مرتبط با نهاد خلافت به‌طور مرتب تحت تأثیر شرایط متحول عینی شکل گرفته‌اند و دگرگون شده‌اند. منظور از شرایط عینی در اینجا مجموعه شرایط سیاسی-اقتصادی، نظامی و انسانی است.

۲. رسالت این نظریات تعیین و تضمین مشروعیت خلافت است و لذا تحولات نظریات دربرگیرنده تحولات مشروعیت است. تحولات نظریات و طبعاً مشروعیت متکی بر آن زایش، خود و امدار جریانات بیرونی بود و لذا تاریخمند است.

تاریخ‌مند بودن نظریات خلافتی همان‌گونه که در لابه‌لای فصول پژوهش و بالاخص در فصل پایانی توضیح داده شده به معنی آن است که نظریات خلافتی نسبت به متن وقایع متأخر بوده‌اند و به تعبیر دیگر از مقوله پیشینی (apriori) نیستند. این مطلب را در چند محور می‌توان نشان داد:

الف: ادبیات در زمینه نظریات خلافت و مشروعیت به گونه‌ای که متفکرین و صاحب‌نظران اهل سنت به رشته تحریر درآورده‌اند، ادبیات «مفهومی» نیستند. اهل فن آنچه را که در جامعه مسلمین به وقوع پیوست، مدون و صورت‌بندی کردند و از آن‌رو که رویکردهای معطوف به خلافت، به‌ویژه در زمینه استقرار قدرت یا انتقال قدرت، متعدد بود، صورت‌بندی‌های متفاوتی از قضایا به دست آمد و حتی در میان صورت‌بندی‌ها تمایلات گزینشی کمی وجود دارد. این تمایلات گزینشی تلویحی را نباید به معنای نفی دیگر صورت‌بندی‌های مدون گرفت. نظریات خلافتی اهل سنت

عمدتاً به آنچه که در چند دهه اول صدر اسلام در جامعه اسلامی به وقوع پیوست تأکید دارند. لذا آرای مستخرجه از رویدادها و تدوین و صورت‌بندی آن‌ها در مجموع از اعتبار و مشروعیت برخوردارند. می‌توان گفت که گفت‌وگوهای نظری میان اهل فن، از مقوله گفت‌وگوهای پسینی است و گفت‌وگوهای اولیه از آن کسانی است که نهاد خلافت را پی‌ریزی کرده و آن را قوام بخشیدند. این مباحث و مجادلات اولیه را هم نباید مباحث و مجادلات نظری تلقی کرد. این مباحث متکی به شخصیت افرادی بود که به عمل می‌پرداختند و عمل‌شان برای آیندگان و در چارچوب دیدگاه اهل سنت حجیت یافت و بی‌جهت نیست که اولین جدل در مورد انتخاب جانشین پیامبر در سقیفه، مهم‌ترین و گسترده‌ترین آن‌ها نیز هست. حتی به تعبیری می‌توان گفت که آخرین جدل هم در باب آنچه پیدایش نهاد خلافت نامیده می‌شود، گفت‌وگوهای ردوبدل‌شده در سقیفه است.

در سقیفه بیش از هر چیز عمل اولویت دارد و محدود جملات و روایات منتسب به پیامبر هم در توجیه عمل و تصمیم صحابی است. شورای بر ساخته عمر خلیفه دوم مسلمین، و گفت‌وگوهای مربوط به آن، مبانی مشروعیت خود را وامدار پیدایش نهاد خلافت و ماهیت قدرت خلیفه است.

ب: نحوه استقرار قدرت و یاد در تعبیر تاریخون استقرار خلفا بر سریر خلافت، از شیوه و روش یکسانی پیروی نمی‌کند. استقرار قدرت، سیال است و سیالیت آن در گروه عملکرد اشخاص و محیط بیرونی است. البته می‌توان میان شیوه‌های استقرار قدرت، گروه‌بندی‌هایی صورت داد و به برخی از آنان همچون استیلا در بیشتر ایام خلافت، نقش محوری واگذار نمود. استقرار قدرت از سوی فقها و کلامیون و سیاست‌پردازان در قالب نظریه ریخته شد و به تعبیر امروزی تئوریزه گردید، ولی نظریات، تأخر خود را نسبت به امر واقع همچنان حفظ نمودند.

با توجه به اینکه مقوله استقرار قدرت در چارچوب اسلام به مثابه یک دین مورد بررسی است، ذکر این نکته اهمیت بسیاری دارد که نحوه استقرار، در آغاز، عملی «مشرعانه» بود. به تعبیر دیگر نحوه استقرار قدرت از روی فرامین و دستورهای پیشینی که از منظر اهل سنت در اساس وجود نداشت، روی نداد بلکه مشروعیت و